



An Analysis of the Jurisprudential Foundations of the Shared Responsibility of the Ruler and the People in Promoting Religious Culture, with Emphasis on Quranic Evidence of Enjoining Good and Forbidding Evil (Amr bil Ma'ruf wa Nahi anil Munkar)

Seyyed Mohammad Mousavi Nazar*¹, Alireza Jargani²

1. Scholar, Jurisprudence and Principles Department, Level 3, Qom Seminary, Qom, Iran (Corresponding Author) Email: hasskeshi1847@gmail.com
2. PhD student, majoring in Professional Management, Imam Hossein (AS) University, Tehran, Iran. Email: jargani@yahoo.com

Abstract

The shared responsibility of the ruler and the people in promoting religious culture, within the framework of enjoining good and forbidding wrong, is a fundamental issue in Islamic jurisprudence. This research, using an analytical-descriptive method, aims to examine the Quranic and jurisprudential foundations of this shared responsibility, analyzing the dual role of the Islamic government and the people in expanding and strengthening religious values. The main objective of this study is to elucidate the shared duty of enjoining good and forbidding wrong between the ruler and the people and to explore the interaction and synergy between these two in the execution of this obligation. In Islamic law, these two duties are simultaneously incumbent upon both the ruler and the people, highlighting the inseparable connection between the people and the ruler in this significant matter. The findings indicate that the Quranic and jurisprudential foundations of this important obligation deem it mandatory for both groups simultaneously and address both with a single call. Therefore, the Islamic government is obligated to create the necessary conditions for the implementation of enjoining good and forbidding wrong through legislation, social oversight, and support for religious activities. The people also have a duty to fulfill this obligation alongside the Islamic government as a religious and social responsibility. The innovation of this research lies in its new perspective on the manner of legislation, which reflects the necessity of this duty for both the people and the ruler. Success in executing this obligation requires the coordination of the government's cultural policymaking and the active participation of the people to effectively realize religious values in society.

Keywords: Enjoining what is right, forbidding what is wrong, responsibility of the Islamic government, religious culture, culture of the people.

Received: 2025/03/18
Revised: 2025/04/08
Accepted: 2025/05/08
Available Online: 2025/05/17

Article Type: Research Paper
Published by: Hazrat-e Masoumeh University
DOI: 10.22034/CJLS.2025.2056214.1035

واکاوی مبانی فقهی مسئولیت مشترک حاکم و مردم در ترویج فرهنگ دینی با تأکید بر مستندات قرآنی امر به معروف و نهی از منکر

سید محمد موسوی نظر^۱، علیرضا جرگانی^۲

۱. دانش پژوه، گروه فقه و اصول، سطح سه، حوزه علمیه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)

رایانامه: hasskeshi1847@gmail.com

۲. دانش آموخته دکتری، رشته مدیریت حرفه‌ای، دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام) تهران، ایران.

رایانامه: jargani@yahoo.com

چکیده

مسئولیت مشترک حاکم و مردم در ترویج فرهنگ دینی، در چارچوب امر به معروف و نهی از منکر، از مباحث اساسی در فقه اسلامی است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با هدف بررسی مبانی فقهی این مسئولیت مشترک، به تحلیل نقش دوگانه حکومت اسلامی و مردم در گسترش و تقویت ارزش‌های دینی می‌پردازد. هدف اصلی این تحقیق، تبیین مشترک بودن وظیفه امر به معروف و نهی از منکر میان حاکم و مردم و بررسی تعامل و هم‌افزایی میان این دو در اجرای این فریضه است. در شریعت اسلام، این دو وظیفه به صورت هم‌زمان بر حاکم و مردم واجب شده‌اند که نشان‌دهنده پیوند ناگسستنی ارتباط مردم و حاکم در این امر مهم است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مبانی فقهی این فریضه مهم، آن را به طور هم‌زمان بر هر دو قشر واجب دانسته و با یک خطاب، هر دو را مخاطب قرار داده است. از این رو، حکومت اسلامی موظف است با وضع قوانین، نظارت اجتماعی و حمایت از فعالیت‌های دینی، بسترهای لازم را برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر فراهم سازد. مردم نیز وظیفه دارند در کنار حکومت اسلامی، این فریضه را به عنوان مسئولیتی دینی و اجتماعی به انجام رسانند. نوآوری پژوهش از آن جهت است که نگاه جدیدی به نحوه تشریح دارد که حکایت از معیت و جوب آن بر مردم و حاکم دارد. موفقیت در اجرای این فریضه مستلزم هماهنگی سیاست‌گذاری‌های فرهنگی حکومت و مشارکت فعال مردم است تا بتوان به تحقق مؤثر ارزش‌های فرهنگ دینی در جامعه دست یافت.

واژگان کلیدی: امر به معروف، نهی از منکر، مسئولیت حکومت اسلامی، فرهنگ دینی، فرهنگ مردم.

تاریخ دریافت:	۱۴۰۳/۱۲/۲۷	نوع مقاله:	پژوهشی
تاریخ بازنگری:	۱۴۰۴/۰۱/۱۹	ناشر:	دانشگاه حضرت معصومه (سلام الله علیها)
تاریخ پذیرش:	۱۴۰۴/۰۲/۱۸	:DOI	10.22034/CJLS.2025.2056214.1035
تاریخ انتشار آنلاین:	۱۴۰۴/۰۲/۲۷		

فرهنگ دینی یکی از مهم‌ترین ارکان هویت اسلامی محسوب می‌شود که در شکل‌دهی ارزش‌ها، رفتارها و سبک زندگی مسلمانان نقشی بنیادین دارد. حفظ و گسترش فرهنگ دینی نه تنها وظیفه‌ای فردی، بلکه تکلیفی اجتماعی است که بر عهده‌ی عموم مسلمانان و به‌ویژه حکومت اسلامی قرار دارد. در این میان، امر به معروف و نهی از منکر یکی از مهم‌ترین ابزارهای تحقق این هدف در فقه اسلامی به شمار می‌رود. این دو فریضه‌ی الهی از یک‌سو وظیفه‌ی فردی هر مسلمان را در قبال اصلاح جامعه تبیین می‌کند و از سوی دیگر، یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های حکومت اسلامی در هدایت و ساماندهی فرهنگی جامعه محسوب می‌شود.

پیوند عمیق فقه و فرهنگ این بار خود را در قالب امر به معروف و نهی از منکر نمایان می‌سازد. وقتی گزاره‌ای دینی واجب فقهی می‌شود تأثیرات فرهنگی خود را نیز به دنبال دارد. نحوه ایجاب فقهی خود حکایت از موارد متعددی می‌تواند داشته باشد. وقتی در یک خطاب شرعی و فقهی به ارتباط زن و شوهر اشاره می‌شود این نوع تشریح درصدد بیان رابطه حق و تکلیف بین همسر و شوهر است. همین امر در دیگر خطابات شرعی نیز وجود دارد. این بار با نگاهی جدید مبنای قرآنی فقهی امر به معروف و نهی از منکر را بررسی و تحلیل خواهیم کرد و بیان می‌کنیم که قرآن با نگاهی به هر دو یعنی حاکم و مردم امر به معروف و نهی از منکر را واجب ساخته است. هرچند در برخی از خطاب‌های شرعی این مهم مختص به حاکم بیان شده است. مثلاً خداوند در آیه ۱۵۷ سوره اعراف می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ همان کسان که آن رسول پیغمبر ناخوانده درس را که وصف وی را نزد خویش در تورات و انجیل نوشته می‌یابند پیروی کنند، پیغمبری که به معروفشان و می‌دارد و از منکر بازشان می‌دارد و چیزهای پاکیزه را حلالشان می‌کند و پلیدی‌ها را حرامشان می‌کند تکلیف گرانشان را با قیدهایی که بر آنها بوده است برمی‌دارد، کسانی که بدو ایمان آورده و گرامی‌اش داشته و باری‌اش کرده‌اند و نوری را که به وی نازل شده پیروی کرده‌اند آنها خودشان رستگاران‌اند.

برخی از خطاب‌ها نیز مختص به مردم بیان شده است. مثلاً خداوند در سوره لقمان آیه ۱۷ می‌فرماید: ﴿وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ﴾ ای پسرک من! نماز به پا دار و امر به معروف و از منکر نهی کن و بر مصائب خویش صبر کن، که این از کارهای مطلوب است. ولی در برخی موارد مثل آیات ۱۰۴ و ۱۱۰ سوره آل عمران و ۷۱ سوره توبه و ۴۱ سوره حج

خطاب مشترک است. واکاوی و بررسی این خطاب‌های قرآنی فقهی این نکته را روشن می‌سازد که نوع نگاه باید تعاملی باشد؛ یعنی حاکم و مردم در تعامل با همدیگر است که می‌توانند در اجرای این فریضه بسیار مهم الهی موفق‌تر ظاهر شوند هرچند که اگر در موردی حکومت اسلامی نبود و حاکم شرعی وجود نداشت این فریضه از مکلفان ساقط نمی‌گردد؛ ولی در صورتی که حکومت اسلامی باشد و حاکم شرعی زمام امور را بر عهده بگیرد در این صورت ارتباط تعاملی آن‌ها در اجرای این گزاره فقهی کاملاً روشن خواهد بود. از این رو، بررسی مبانی فقهی مسئولیت مشترک حاکم و مردم در گسترش فرهنگ دینی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا این دو نهاد اجتماعی در تعامل و هم‌افزایی با یکدیگر می‌توانند زمینه‌ی تحقق معروف و ریشه‌کنی منکر را فراهم سازند. به بیان دیگر، در نگاه اسلامی، مسئولیت حاکم و مردم در این حوزه نه تنها تفکیک‌ناپذیر است، بلکه هر یک بدون حمایت و مشارکت دیگری نمی‌تواند به نتیجه‌ی مطلوب دست یابد.

بر اساس تعالیم قرآن کریم، حاکم اسلامی وظیفه دارد با اتخاذ سیاست‌های مناسب و بهره‌گیری از ظرفیت‌های قانونی و اجرایی، زمینه‌ی گسترش فرهنگ دینی را فراهم سازد و با نظارت و حمایت مؤثر، از تحقق معروف و جلوگیری از منکر پشتیبانی کند. از سوی دیگر، مردم نیز مکلف‌اند با تکیه بر ابزارهای مختلف فرهنگی و اجتماعی، در مسیر اصلاح جامعه گام بردارند و در گسترش معروف و کاهش منکر نقش‌آفرینی کنند.

پرسش اساسی این است که مبانی قرآنی - فقهی مشترک این مسئولیت چیست؟ و اساساً تشریح مشترک این وظیفه مهم بر حاکم و مردم بیانگر چه نکته‌ای است؟

ضرورت این تحقیق از چند جهت قابل بررسی است: تبیین مبانی فقهی این موضوع به درک صحیح از نقش حکومت اسلامی در تقویت و حفظ فرهنگ دینی کمک می‌کند.

بررسی مسئولیت مردم در قبال این وظیفه‌ی شرعی، موجب افزایش مشارکت اجتماعی در اجرای امر به معروف و نهی از منکر خواهد شد.

با توجه به چالش‌های فرهنگی معاصر، تبیین صحیح این مسئولیت مشترک می‌تواند در ارائه‌ی راهکارهای عملی برای حفظ ارزش‌های دینی مؤثر باشد.

این پژوهش، با تحلیل فقهی و قرآنی مسئولیت مشترک حکومت و مردم در امر به معروف و نهی از منکر، به دنبال ارائه‌ی چارچوبی جامع برای تبیین جایگاه این دو فریضه در مدیریت فرهنگی جامعه‌ی اسلامی است. براساس یافته‌های این تحقیق، تحقق فرهنگ دینی در جامعه، بدون همکاری متقابل مردم و حاکمیت امکان‌پذیر نیست. لذا این دو نهاد، با هم‌افزایی و تعامل سازنده، باید زمینه‌ی اجرای این دستور الهی را فراهم سازند.

پیشینه تحقیق

۱. بررسی رابطه حکومت و امر به معروف و نهی از منکر؛ این پژوهش به تحلیل نقش حکومت در اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر می‌پردازد و تأکید می‌کند که این وظیفه نه تنها بر عهده مردم، بلکه بر عهده حاکمان نیز می‌باشد. نویسندگان با استناد به آیات قرآن، مسئولیت مشترک حاکمیت و امت را در این زمینه تبیین کرده است. (کریمی‌نیا و دیگران، ۱۴۰۰)
 ۲. مسئولیت حکومت اسلامی در امر حجاب با استناد به ادله‌ی امر به معروف و نهی از منکر؛ این مقاله به بررسی مسئولیت حکومت اسلامی در ترویج حجاب با استناد به فریضه امر به معروف و نهی از منکر پرداخته است. نویسندگان تأکید می‌کند که این دو واجب مؤکد کفای تأثیر عمیق و گسترده‌ای در زندگی اجتماعی مسلمانان دارند و حاکمیت موظف است در این زمینه اقدام نماید. (فلاح تفتی، ۱۳۹۳)
 ۳. امر به معروف و نهی از منکر از منظر دین و شرایط اقامه آن؛ این پژوهش به بررسی آیات و روایات مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر و شرایط اقامه آن پرداخته است. نویسندگان تأکید می‌کند که این فریضه نقش مهمی در کنترل اجتماعی ایفا می‌کند و شرایط اقامه آن در همه افراد جمع نمی‌شود. (حسینی اجداد و دیگران، ۱۳۹۱)
 ۴. جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در سیاست جنایی؛ این مقاله به بررسی نقش امر به معروف و نهی از منکر در سیاست جنایی اسلام پرداخته و تأکید می‌کند که با تأسیس حکومت دینی، وظیفه تحقق این نهاد، وظیفه متقابل مردم و حکومت می‌شود. (الهام، ۱۳۹۲)
- این مقالات نشان‌دهنده توجه پژوهشگران به ابعاد مختلف مسئولیت مشترک حاکم و مردم در ترویج فرهنگ دینی از طریق فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. وجه تمایز پژوهش پیش رو با دیگر تحقیقات انجام‌گرفته از این جهت است که در این نوشتار به بررسی مبانی فقهی وظیفه مشترک حاکم و مردم، در راستای نشر و گسترش فرهنگ دینی خواهیم پرداخت.

۱. همبستگی حاکم و مردم در اجرای امر به معروف و نهی از منکر

۱-۱. بر اساس آیه ۷۱ سوره توبه

خداوند در سوره توبه در آیه ۷۱ می‌فرماید: ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَٰئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾.

مردان و زنان باایمان، ولی (و یار و یاور) یکدیگرند؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند؛ نماز را برپا می‌دارند؛ و زکات را می‌پردازند؛ و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند؛ به زودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرار می‌دهد؛ خداوند توانا و حکیم است!

امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه واجب الهی هستند. (صدوق، ۱۴۱۸ ق، صص ۵۶-۵۷) یکی از مستندات فقهی - قرآنی آن آیه مذکور می‌باشد. این آیه بر نقش حاکم و مردم در گسترش فرهنگ دینی از طریق امر به معروف و نهی از منکر، اشاره دارد. وجه اشتغال این آیه بر هر دو گروه به این بیان است که آیه شریفه در مقام بیان صفات مؤمنین است و می‌فرماید یکی از ویژگی‌های مؤمنین این است بعضی بر بعضی دیگر ولایت دارند.

ولایت در این آیه به معنای حمایت و سرپرستی متقابل در جهت حفظ و گسترش فرهنگ دینی است. هر مؤمن در قبال دیگر مؤمنین وظیفه دارد که آن‌ها را به انجام امور نیک و دوری از منکرات هدایت کند. این مسئولیت فردی نه تنها به تک‌تک افراد جامعه بلکه به کل جامعه به‌عنوان یک واحد منسجم منتقل می‌شود. صاحب جواهر بعد از ذکر این آیه به این نکته اشاره می‌کند که خداوند در این آیه ابتدا امر به معروف و نهی از منکر را مطرح کرده است و سپس بر اهمیت آن تأکید نموده است. وی بیان می‌کند که این دو وظیفه، از فرایض الهی هستند و دلیل این تقدم و تأکید الهی آن است که اگر این فریضه به‌درستی اجرا شود، تمام دیگر واجبات دینی، چه آسان و چه دشوار، استوار و پایدار خواهند شد. صاحب جواهر با استناد به این آیه، وجوب امر به معروف و نهی از منکر را به‌عنوان فریضه‌ای الهی تأکید می‌کند و بر این باور است که اجرای صحیح این فریضه باعث تنظیم امور اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی می‌شود. (نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۱، ص ۳۵۴)

مفسر بزرگ قرآن مرحوم علامه طباطبائی (رحمه الله) دلیل اذن خداوند به مؤمنین برای واداشتن یکدیگر به انجام معروفات (اوامر الهی ارزش‌های اسلامی) و جلوگیری از یکدیگر نسبت به ارتکاب منکرات (نواهی و ضد ارزش‌ها) را همین ولایت داشتن مؤمنین نسبت به یکدیگر دانسته و فرموده است که: این ولایت از مراتب بالای آن (حاکم اسلامی) تا پایین‌ترین مراتب آن که کوچک‌ترین افراد جامعه باشند در میان مؤمنین جاری است. (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۹، ص ۳۳۸)

برخی از معاصران در ذیل این آیه برای استدلال بر وجوب فقهی امر به معروف و نهی از منکر چنین استدلال کرده‌اند: که امر به معروف و نهی از منکر از ویژگی‌های مؤمنان است و لازمه آن این است که کسی که این وظیفه را ترک کند، از دایره ایمان خارج می‌شود. این تعبیر نشان‌دهنده اهمیت این فریضه در حدی است که ترک آن، نقص در ایمان محسوب می‌شود. از طرف دیگر در تعبیر «بأمر بالمعروف و بنهون عن المنکر» از جمله خبریه استفاده شده است. در اصول فقه، جملات

خبری که در مقام تشریح به کار می‌روند، قوی‌ترین دلالت بر وجوب را دارند و حتی از صیغه امر نیز صریح‌تر هستند؛ بنابراین، آیه به‌وضوح بر وجوب این فریضه دلالت دارد. سپس در ادامه اشاره می‌کند که آیه امر به معروف و نهی از منکر را بر ولایت متقابل میان مؤمنان مترتب کرده است؛ یعنی از آنجاکه مؤمنان در جامعه اسلامی نوعی مسئولیت نسبت به یکدیگر دارند، لازمه این مسئولیت، امر به معروف و نهی از منکر است. این نکته نشان می‌دهد که این فریضه نه تنها فردی، بلکه یک مسئولیت اجتماعی است که شامل مردم و حاکم می‌شود. خداوند در این آیه می‌فرماید: به کسانی که این ویژگی‌ها (از جمله امر به معروف و نهی از منکر) را دارند، رحمت خود را شامل می‌گرداند. مفهوم این عبارت آن است که کسی که این وظیفه را انجام ندهد، از این رحمت محروم خواهد شد. این امر نشان‌دهنده شدت الزام و وجوب این فریضه است، چراکه ترک آن، موجب سلب عنایت الهی می‌شود. بر اساس این تحلیل، روشن است که وجوب امر به معروف و نهی از منکر از آیه ۷۱ سوره توبه استفاده می‌شود. علاوه بر این، تأکید بر جنبه اجتماعی این فریضه نشان می‌دهد که هم مردم و هم حاکم اسلامی وظیفه دارند آن را اجرا کنند؛ بنابراین، این وظیفه محدود به فرد خاصی نیست، بلکه مسئولیت همگانی است و برای تحقق یک جامعه اسلامی پایدار، لازم است که این فریضه در تمام سطوح جامعه اجرا شود. (روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۳، ص ۲۱۲)

این آیه هرچند بیانگر یک تکلیف عام برای تمام مؤمنان در زمینه امر به معروف و نهی از منکر است؛ اما با دقت در واژه «أولیاء» و نقش ولایت در فقه اسلامی، می‌توان استدلال کرد که وجوب امر به معروف و نهی از منکر بر حاکم اسلامی، امری مؤکدتر و الزام‌آورتر است.

حاکم به‌عنوان نماینده خدا و پیامبر در جامعه اسلامی عمل می‌کند. در این چارچوب، حاکم مسئولیت ویژه‌ای در هدایت کل جامعه به‌سوی معروف‌ها و دوری از منکرها دارد. این نقش حاکم، فراتر از یک وظیفه فردی است و به معنای ایجاد و نظارت بر سیاست‌ها و قوانین است که نه تنها از اجرای امر به معروف و نهی از منکر حمایت می‌کنند، بلکه آن را به‌عنوان یکی از ارکان اصلی حاکمیت دینی در جامعه تثبیت می‌نمایند.

در این آیه ولایت به معنای نوعی سرپرستی، حمایت و مسئولیت نسبت به یکدیگر است. این مسئولیت، بر اساس مقام و جایگاه افراد در جامعه، شدت و گستردگی بیشتری پیدا می‌کند. هر فردی در حد توان خود مسئول امر به معروف و نهی از منکر است، اما کسانی که ولایت و اختیار بیشتری دارند، مسئولیت سنگین‌تری بر دوش خواهند داشت. حاکم اسلامی، در رأس نظام ولایت اجتماعی قرار دارد و بالاترین مقام در هدایت جامعه را بر عهده دارد. لذا، وقتی خداوند ولایت را

منشأ امر به معروف و نهی از منکر قرار می‌دهد، حاکم شرعی که بالاترین مرتبه ولایت را داراست، دارای وجوب مؤکد در این زمینه است.

برخی از دانش‌پژوهان معاصر نیز به این مسئله در نظام جمهوری اسلامی ایران اشاره کرده و بیان نموده‌اند که قانون اساسی جمهوری اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر را وظیفه‌ای متقابل میان دولت و ملت دانسته و تعیین جزئیات آن را به قانون عادی واگذار کرده است که تاکنون تصویب نشده است. این نهاد فراتر از یک قانون معین بوده و خود مولد و نظام‌ساز است. امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند نهادهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ایجاد کرده و جامعه را از آسیب‌ها مصون دارد، حتی برخی نهادهای غیرضروری کیفری را نیز حذف کند. (الهام، ۱۳۹۲) بنابراین، همان‌طور که حاکم اسلامی در اقامه نماز جمعه و اجرای حدود نقش اصلی دارد، در اقامه فریضه امر به معروف و نهی از منکر نیز مسئولیت ویژه‌ای دارد. از طرفی بدون نظارت حکومت، اجرای امر به معروف و نهی از منکر در سطح اجتماعی دچار ضعف خواهد شد. اگر این مسئولیت فقط به افراد عادی سپرده شود، اثربخشی آن کاهش می‌یابد و ممکن است نظام اجتماعی دچار هرج و مرج شود. حاکم اسلامی بالاترین ولی در جامعه محسوب می‌شود و اجرای امر به معروف و نهی از منکر در سطح کلان، بدون حضور حاکم و ابزارهای اجرایی حکومت ممکن نیست.

نتیجه آنکه این آیه به روشنی دلالت دارد که امر به معروف و نهی از منکر، نه تنها وظیفه‌ی فردی، بلکه یک تکلیف حکومتی نیز هست و حاکم اسلامی که بالاترین مقام ولایت را داراست، مکلف به اجرای این فریضه در جهت حفظ و گسترش فرهنگ اسلامی است.

با توجه به مطالب فوق، می‌توان نتیجه گرفت که نقش حاکم و مردم در گسترش فرهنگ دینی از طریق امر به معروف و نهی از منکر به مستند به مبانی فقهی بوده و از طرفی به هم پیوسته و مکمل یکدیگر است. مردم به‌عنوان ولی یکدیگر و حاکم به‌عنوان ولی اصلی جامعه، هر دو مسئولیت دارند تا با همکاری و تعامل، امر به معروف و نهی از منکر را در جامعه اجرا کرده و بدین وسیله فرهنگ دینی را در بالاترین سطح ممکن گسترش دهند. این همکاری متقابل در نهایت به گسترش و تحکیم ارزش‌های اسلامی و دستیابی به رحمت الهی منجر می‌شود، همان‌گونه که آیه شریفه به آن اشاره دارد: «أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ»

۱-۲. بر اساس آیات آیه ۱۰۴ و ۱۱۰ سوره آل عمران

خداوند در آیه ۱۰۴ سوره آل عمران می‌فرماید: «وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و

امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آن‌ها همان رستگارانند. همچنین در آیه ۱۱۰ سوره آل عمران می‌فرماید: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلَ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ شما از ازل بهترین امتی بودید که برای مردم پدید آمدید. چون امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید؛ و اگر اهل کتاب هم ایمان می‌آوردند، برایشان بهتر بود، لیکن بعضی از آنان مؤمن و بیشترشان فاسق‌اند.

یکی دیگر از مبانی فقهی مشترک در مسئله امر به معروف و نهی از منکر آیه ۱۰۴ و ۱۱۰ سوره آل عمران می‌باشد در این آیات به ضرورت و اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی با تعبیر امت اشاره کرده است. شیخ مفید در تبیین استدلال به این آیه برای وجوب امر به معروف و نهی از منکر می‌نویسد: خداوند امت مسلمانان به سبب امر به معروف و نهی از منکرشان مدح کرده است همان‌طور که آن‌ها را به سبب ایمانشان مدح و تعریف نموده است و همین امر دلالت بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر دارد. (مفید، ۱۴۱۳ ق، ص ۸۰۷) علامه حلی مسئله واجب عینی یا کفائی بودن امر به معروف و نهی از منکر را مطرح کرده و برای هر دو فرض آن ادله‌ای بیان نموده‌اند. (حلی، ۱۴۰۱ ق، ص ۱۷۲) شیخ طوسی در الاقتصاد در بحث از وجوب امر به معروف و نهی از منکر، هر دو دیدگاه را چنین نقل می‌کند: نخست، دیدگاهی که آن را از فروع کفایی می‌داند؛ یعنی اگر گروهی آن را انجام دهند، از دیگران ساقط می‌شود. دوم، نظری که آن را از فروع عینی می‌داند، به این معنا که بر هر فرد واجب است و انجام آن توسط برخی، موجب سقوط تکلیف از دیگران نمی‌شود. وی با استناد به عموم آیات قرآن و روایات، دیدگاه دوم یعنی واجب عینی بودن را ترجیح می‌دهد و به آیاتی همچون ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (آل عمران: ۱۱۰) ﴿يَا بَيْتُ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَآمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (لقمان: ۱۷) تمسک می‌کند. (طوسی، ۱۳۷۵، ص ۱۴۷)

تحلیل این دیدگاه نشان می‌دهد که بر اساس نظر شیخ طوسی، دایره وجوب امر به معروف و نهی از منکر شامل تمامی افراد جامعه، اعم از مردم و حاکم، می‌شود که به صورت واجب عینی و نه کفائی بر همگان واجب و لازم است. این وظیفه نه تنها به‌عنوان مسئولیت فردی هر مؤمن، بلکه به‌عنوان عاملی برای اصلاح جامعه در نظر گرفته شده است. از این رو، هم حاکم اسلامی به‌عنوان مسئول اجرای احکام الهی و هم مردم به‌عنوان بخشی از جامعه ایمانی، ملزم به اقامه این فریضه هستند و با اجرای آن، سلامت دینی و اجتماعی جامعه تضمین می‌شود. مستند به این دیدگاه می‌توان گفت که امر به معروف و نهی از منکر، به‌عنوان وظیفه‌ای مشترک بین حاکم و مردم، نقش اساسی در حفظ و گسترش فرهنگ دینی دارد. حاکم اسلامی مسئولیت دارد که با وضع قوانین و

سیاست‌های مناسب، زمینه اجرای این فریضه را در جامعه فراهم کند. از سوی دیگر، مردم نیز موظف‌اند با اجرای این دو فریضه، ارزش‌های دینی را در جامعه تثبیت و تحکیم کنند.

به نظر می‌رسد که تعبیر «مِنْكُمْ أُمَّةٌ» یعنی باید از میان شما گروهی باشند که این مسئولیت را بر عهده بگیرند، مستقیم بر حاکمیت و تشکیلات آن دلالت دارد. چراکه این کار نیازمند تشکیلات، برنامه‌ریزی و قدرت اجرایی است، مستلزم وجود یک نهاد رسمی است که بتواند این وظیفه را به‌طور سازمان‌یافته اجرا کند. این نهاد همان حکومت اسلامی است که موظف به اجرای احکام الهی و ترویج فرهنگ اسلامی است. عبارت «يَذْعُونَ إِلَىٰ الْخَيْرِ» نشان می‌دهد که این گروه باید مردم را به خیر، ارزش‌های الهی و فرهنگ اسلامی دعوت کنند. این دعوت نمی‌تواند صرفاً در حد یک توصیه‌ی فردی باقی بماند، بلکه نیازمند سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی فرهنگی و اجرای عملی در سطح جامعه است. این وظیفه به‌طور خاص بر عهده‌ی حاکم اسلامی و نهادهای وابسته به اوست.

در این آیه، «يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» به‌عنوان یک مسئولیت مهم مطرح شده است. اگرچه این مسئولیت متوجه همه‌ی افراد جامعه است، اما اجرای عملی آن در سطح کلان، نیازمند قدرت و حاکمیت است.

امرونی بدون قدرت ضمانت اجرایی ندارد: اجرای امر به معروف و نهی از منکر در سطح جامعه نیازمند ابزارهای قانونی و اجرایی است که تنها در اختیار حکومت اسلامی قرار دارد. بدون نظارت و اجرای احکام اسلامی، فرهنگ دینی تضعیف شده و جامعه دچار فساد و انحراف می‌شود. برخی از منکرات، مانند فساد اقتصادی، بی‌عدالتی، ظلم اجتماعی و انحرافات اخلاقی، بدون مداخله‌ی مستقیم حکومت قابل کنترل نیستند. از این رو با توجه به آیه ۱۰۴ سوره آل عمران و سایر آیات و روایات، وجوب فقهی امر به معروف و نهی از منکر برای حاکم اسلامی به‌وضوح قابل استنباط است.

در این آیه، خداوند متعال می‌فرماید که باید «أُمَّةٌ» (گروهی از شما) باشند که این مسئولیت را بر عهده بگیرند. برخی ممکن است تصور کنند که این آیه تنها بر وجوب کفایی دلالت دارد و فقط عده‌ای خاص این وظیفه را دارند؛ اما اگر این فریضه تنها یک مسئولیت گروهی بود، لازمه‌اش این بود که اگر گروهی در جامعه این وظیفه را انجام دهند، دیگر تکلیف از بقیه ساقط شود؛ اما همان‌طور که شیخ طوسی بیان کردند این آیه دال بر وجوب عینی برای تک‌تک افراد است از این رو بر اساس سایر آیات و روایات، روشن است که این وظیفه به شکل عام بر تمام مؤمنان واجب است، مگر در مواردی که فرد از لحاظ شرایط مکلف به انجام آن نباشد.

پس این آیه بر ضرورت وجود یک گروه خاص برای امر به معروف و نهی از منکر در سطح کلان جامعه دلالت دارد، اما این بدان معنا نیست که سایر افراد از این وظیفه معاف‌اند. بلکه هر فرد مسلمان نیز در چارچوب توانایی خود مکلف به اجرای این فریضه است.

۱-۳. بر اساس آیه ۴۱ سوره حج

یکی دیگر از مبانی فقهی مشترک در مسئله امر به معروف و نهی از منکر آیه ۴۱ سوره حج است. خداوند در این آیه می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾ همان کسانی که هرگاه در زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و پایان همه کارها از آن خداست!

آیه ۴۱ سوره حج یکی از مهم‌ترین آیات مرتبط با وظایف مؤمنان و حاکمیت اسلامی در اقامه و اجرای احکام دینی است. این آیه بر «تمکن در زمین» تأکید دارد و از مؤمنانی که به این مرتبه از قدرت و توانایی دست یافته‌اند، می‌خواهد که نماز را اقامه کنند، زکات بپردازند، امر به معروف و نهی از منکر کنند.

برخی مفسران «تمکنان در زمین» را به معنای حاکمیت اسلامی تفسیر کرده‌اند. (قرطبی،

۱۳۶۴، ج ۱۲، ص ۷۳)

بر اساس این دیدگاه، تمکن به معنای دستیابی به قدرت سیاسی و اجتماعی است که حکومت اسلامی را قادر می‌سازد تا احکام و فرایض دینی را اجرا کند. این دیدگاه بر این اساس است که تنها حاکمیت اسلامی قدرت لازم برای اجرای گسترده احکام دینی را دارد.

علامه طباطبائی مفهوم «تمکن» را به معنای قدرت و آزادی در زمین تفسیر کرده‌اند که می‌تواند درجات و مراتب مختلفی داشته باشد. بر این اساس، تمکن به معنای داشتن آزادی عمل و قدرت برای انجام کارهایی است که فرد یا جامعه به آن مکلف شده‌اند. این تمکن می‌تواند در سطح فردی، اجتماعی و حکومتی معنا پیدا کند. (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۴، ص ۳۸۶) می‌توان گفت که مفهوم تمکن به‌عنوان امری مشکک و ذو مراتب می‌تواند به این معنا باشد که هر فرد یا گروهی که در جامعه به درجه‌ای از قدرت و توانایی دست یافته‌اند، به تناسب آن تمکن، مکلف به اجرای احکام دینی هستند. این بدین معناست که نه تنها حاکمیت اسلامی بلکه هر مؤمنی که توانایی اجرای احکام دینی را دارد، مسئولیت دارد که به انجام آن‌ها بپردازد. این آیه دلالت بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر دارد و فقها در کتب فقهی بدان استناد کرده‌اند. (مغنیه، ۱۴۲۱، ج ۲،

ص ۲۷۷ و نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۱، ص ۳۵۲)

در مراتب بالای تمکن که حاکمیت اسلامی در رأس آن قرار دارد، وظیفه اجرای امر به معروف و نهی از منکر در سطح کلان و جامعه بر عهده حکومت است؛ اما در مراتب پایین تر، این وظیفه بر عهده عموم مؤمنین است که باید در حد توان خود به گسترش فرهنگ دینی کمک کنند.

برخی از معاصران در کتاب ولایت فقیه در حکومت اسلام، با استناد به آیه ۴۱ سوره حج، به تبیین ضرورت وجود حاکم اسلامی در اجرای امر به معروف و نهی از منکر پرداخته و بر وجوب فقهی آن تأکید نموده‌اند. نویسندگان با استناد به این آیه، چهار وظیفه اساسی حاکم اسلامی را برمی‌شمارد که شامل اقامه‌ی نماز، جمع‌آوری و توزیع زکات، امر به معروف و نهی از منکر است. در این چارچوب، امر به معروف و نهی از منکر نه یک وظیفه‌ی فردی و توصیه‌ای، بلکه یک مسئولیت حکومتی محسوب می‌شود که بدون وجود یک نظام اسلامی مقتدر قابل تحقق نیست. از این رو، نویسندگان استدلال می‌کنند که تحقق این فریضه در سطح جامعه مستلزم وجود حاکمی مشروع و توانمند است که بتواند به‌طور نظام‌مند، معروف را در جامعه گسترش داده و منکر را از بین ببرد. در غیر این صورت، این فریضه به‌صورت پراکنده و غیر موثر باقی خواهد ماند. علاوه بر این، نویسندگان بر تفاوت اساسی میان حکومت اسلامی و سایر نظام‌های سیاسی تأکید دارد. به اعتقاد وی، آنچه حکومت اسلامی را از سایر حکومت‌ها متمایز می‌سازد، صرفاً توسعه‌ی اقتصادی و آبادانی ظاهری نیست، چراکه چنین امری میان تمام حکومت‌ها مشترک است. بلکه وجه تمایز حکومت اسلامی، اجرای احکام الهی و تحقق عملی امر به معروف و نهی از منکر در جامعه است؛ بنابراین، بدون وجود ولیّ فقیه و حکومت اسلامی، امکان اجرای جامع و مؤثر این دو فریضه وجود نخواهد داشت.

در نتیجه، نویسندگان وجوب فقهی وجود حاکم اسلامی را در امر به معروف و نهی از منکر بر اساس دو مبنا اثبات می‌کنند: نخست، استناد به آیه قرآن و جایگاه این فریضه در وظایف حاکم اسلامی و دوم، ضرورت عملیاتی سازی این حکم از طریق یک نهاد مقتدر و حکومتی. از این رو، وی نتیجه می‌گیرد که ولایت فقیه نه تنها برای اجرای این احکام لازم است، بلکه اساساً بدون آن، تحقق کامل امر به معروف و نهی از منکر در جامعه امکان‌پذیر نخواهد بود. (تهران، ۱۴۱۸ ق، ج ۳، صص ۲۲۹-۲۳۱)

حاکمیت اسلامی به‌عنوان صاحب بالاترین درجه تمکن، وظیفه دارد که با وضع قوانین و سیاست‌های مناسب، زمینه اجرای امر به معروف و نهی از منکر را فراهم کند. این امر شامل ایجاد نهادهای نظارتی و تربیتی، ارائه آموزش‌های دینی و حمایت از ارزش‌های اسلامی در سطح جامعه است. حاکمیت با این اقدامات، نقش کلیدی در ترویج و تثبیت فرهنگ دینی در جامعه ایفا

می‌کند. در مراتب پایین‌تر تمکن، عموم مؤمنین نیز وظیفه دارند که به‌نوبه خود به اجرای امر به معروف و نهی از منکر بپردازند. این وظیفه به معنای تشویق افراد به انجام اعمال صالح و بازداشتن آن‌ها از رفتارهای ناپسند است. هر مؤمنی در حد توان خود باید به ترویج و گسترش فرهنگ دینی در محیط اطراف خود بپردازد. البته باید توجه داشت که همه مردم مخاطب این فریضه‌اند، اما شرایط اجرای آن در همه افراد جمع نمی‌شود و تنها برخی صلاحیت آن را دارند. (حسینی اجداد و دیگران، ۱۳۹۱)

امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان وظیفه‌ای مشترک بین حاکمیت اسلامی و عموم مؤمنین، نقش بسیار مهمی در گسترش فرهنگ دینی دارد. لذا از این جهت است که برخی از فقهای معاصر در مورد امر به معروف و نهی از منکر تعبیر «اعظم الواجبات» را به‌کار برده و می‌فرمایند: از بزرگ‌ترین واجبات دینی امر به معروف و نهی از منکر است. (سیستانی، ۱۴۱۷، ق، ج ۱، ص ۴۱۷)

این فریضه‌ها با ترویج ارزش‌های اسلامی و مقابله با انحرافات، موجب می‌شوند که جامعه در مسیر صحیح دینی حرکت کند و فرهنگ دینی در جامعه تقویت و تثبیت شود. علاوه بر آیات روایاتی نیز در این زمینه وجود دارد که از آن‌ها لزوم فقهی حاکم و عموم مردم برای گسترش فرهنگ دینی استفاده می‌شود که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که امر به معروف و نهی از منکر نه تنها یک وظیفه فردی برای هر مسلمان، بلکه مسئولیتی مشترک میان حاکم و مردم در جهت گسترش فرهنگ دینی و ارتقای فضایل اخلاقی در جامعه اسلامی است. این فریضه در ساختار اجتماعی و حکومتی جایگاهی ویژه دارد، به‌گونه‌ای که قرآن کریم به‌صراحت بر نقش متقابل حاکم و مردم در اجرای آن تأکید کرده است. در برخی آیات، این وظیفه هم‌زمان بر عهده حکومت و جامعه نهاده شده و بر هماهنگی و تعامل آن‌ها در تحقق این تکلیف دین‌ی اشاره دارد.

نتایج تحلیل سه‌آیه نشان می‌دهد که امر به معروف و نهی از منکر در سطح امت اسلامی نه تنها بر دوش افراد جامعه، بلکه بر عهده حکومت نیز هست. از یک‌سو، این وظیفه به‌عنوان یک تکلیف عمومی، تمام مؤمنان را در برمی‌گیرد و مسئولیت اجتماعی آنان را در قبال اصلاح جامعه یادآور می‌شود. از سوی دیگر، با توجه به جایگاه رهبری در امت اسلامی، حاکمیت نیز در تحقق این فریضه نقش اساسی ایفا می‌کند. قدرت و تمکن سیاسی و اجرایی حکومت، آن را به نهادی مسئول در پیاده‌سازی این اصل دینی تبدیل کرده است، درحالی که مردم نیز در چارچوب توان و شرایط خود ملزم به ایفای این وظیفه‌اند.

بر این اساس، امر به معروف و نهی از منکر یک مسئولیت همگانی است که در سطوح مختلف جامعه، از فردی تا حکومتی، باید به طور هماهنگ و مکمل اجرا شود. قرآن کریم، به عنوان منبع اصلی فقه اسلامی، این مسئولیت مشترک را به روشنی تبیین کرده و بر ضرورت هم‌افزایی و همکاری میان حاکمیت و مردم در راستای گسترش فرهنگ دینی تأکید کرده است.

منابع

۱. الهام، غلامحسین (۱۳۹۲). جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در سیاست جنایی. مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۳، شماره ۲، صص ۱۵۵ - ۱۶۸.
۲. حسینی اجداد، سیداسماعیل و رخشنده نیا، سیده اکرم (۱۳۹۱). امر به معروف و نهی از منکر از منظر دین و شرایط اقامه آن. پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم، دوره ۳، شماره ۲، صص ۱۰۱ - ۱۱۴.
۳. حسینی تهرانی، سید محمدحسین (۱۴۱۸ ق). ولایة الفقیه فی حکومتة الإسلام (جلد ۴)، بیروت: دار الحجّة البيضاء.
۴. حسینی روحانی قمی، سید صادق (۱۴۱۲ ق). فقه الصادق (علیه السلام) (جلد ۲۶)، قم: دارالکتاب - مدرسه امام صادق (علیه السلام).
۵. رضوانی مفرد، احمد و جعفری هرندی، مهدی (۱۴۰۲ ق). مراحل و کیفیت نظارت مردم بر حاکمیت در قالب امر به معروف و نهی از منکر. مطالعات فقه و حقوق اسلامی، دوره ۱۵، شماره ۳۱، صص ۵۷ - ۷۶.
۶. سیستانی، سید علی حسینی (۱۴۱۷ ق). منهاج الصالحین (جلد ۳)، قم: دفتر حضرت آیت الله سیستانی.
۷. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۸ ق). الهدایة فی الأصول و الفروع، قم: مؤسسه امام هادی (علیه السلام).
۸. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ ق). المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۹. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۷۵ ق). الاقتصاد الهادي إلى طریق الرشاد تهران: انتشارات کتابخانه جامع چهل ستون.
۱۰. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۰۱ ق). أجوبة المسائل المهنائية، قم: چاپخانه خیام.
۱۱. فلاح تفتی، فاطمه (۱۳۹۳). مسئولیت حکومت اسلامی در امر حجاب با استناد به ادله امر به معروف و نهی از منکر. مطالعات راهبردی زنان، دوره ۱۶، شماره ۶۴، صص ۷۳ - ۱۱۵.
۱۲. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). الجامع لأحكام القرآن (جلد ۲۰)، تهران: ناصر خسرو.
۱۳. کریمی نیا، محمد مهدی؛ عظیمی نیا، فرخنده و انصاری مقدم، مجتبی (۱۴۰۰). بررسی رابطه حکومت و امر به معروف و نهی از منکر، مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، دوره ۴، شماره ۳۸، صص ۳۴ - ۴۴.

۱۴. مغنیہ، محمد جواد (۱۴۰۴ ق). فقہ الإمام الصادق (علیہ السلام) (چاپ دوم، ۶ جلد)، قم: مؤسسه انصاریان.

۱۵. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام (چاپ ہفتم، ۴۳ جلد)، بیروت: دار إحياء التراث العربی.